

#### اشاره

یکی از برنامه‌هایی که در دستور کار فصلنامه میثاق است طرح مباحث تطبیقی ادیان به ویژه مذاهب و فرق اسلامی به ویژه فرقه‌هایی که خاستگاه آنها ایران بوده است، می‌باشد. این مقاله مختصر پیش‌درآمدی است بر این گونه مباحث که نویسنده محترم در شماره‌های آینده به تفصیل پی خواهد گرفت.

## مانویت در البحار

دکتر پرویز اذکائی\*

علامه مجلسی (ره) پس از نقل سخنان امام صادق (ع) در گزارش آیین مانویان، می‌نویسد: بسیاری از این چیزها را نیز به جماعت شیعه و جز ایشان منسوب می‌دارند، که البته ما خلاف اینها را می‌دانیم.... این سخن علامه علی التحقیق ناظر به نوعی دین‌شناسی تطبیقی بین آرای «مانویه» و اعتقادات «شیعه» است، که ظاهراً وجوه شباهت یا اشتراکی میان آن دو ملاحظه یا تصور شده است. در هر حال، از دیرباز وجوه مشابهات بین آرا و مذاهب و عقاید ملل و نحل مورد توجه محققان بوده است. در خصوص مذهب شیعه امامیه غالباً تصور بر مماثلات عقیدتی آن با «زردشتیه» یا به اصطلاح مجوسیت می‌رفته (که رسالات عالمانه و کتب مفضل چندی هم در این خصوص نوشته شده) ولیکن ما از جمله بر حسب همین اشارت علامه مجلسی در صحت فرضیه خویش، که صرفاً در حوزه و از مقوله مطالعات تطبیقی دین‌شناسی یا ملل و نحل است، راسخ‌تر شدیم که مذهب شیعه در وجه غالب همانا با «مانویه» سنجش‌پذیر باشد، نه چندان با مجوسیت که تاکنون ظن غالب بر آن می‌رفته است. به نظر ما این مذهب «اسماعیلیه» است که با مجوسیت مشابهات تام و ناقص بسیار دارد. باری، ما فقرات راجع به «مانویه» و «زنادقه» را از مطاوی بحارالانوار (چاپ کمپانی، طهران، ۱۳۰۱ - ۱۳۱۲ ق) به ویژه جلد دوم، از بهر «اثبات صانع» (ص ۱۶) و مناظره زندیق با

\* دکتر پرویز اذکائی، فارغ‌التحصیل از دانشگاه منچستر لندن است که از وی تاکنون چندین جلد کتاب تحقیقی و مقالات علمی چاپ و منتشر شده است.

امام صادق(ع) به نقل از کتاب التوحید شیخ صدوق، خصوصاً بهر «توحید مفضل» (ص ۷۴-۷۵) و نیز در باب «توحید و نفی شریک و معنای واحد» (ص ۶۶-۶۹) به نقل از احتجاج طبرسی، با روایت هشام بن حکم که زندیقی از امام صادق(ع) پرسید، هم با توجه به ترجمه «توحید مفضل» و جز اینها با حذف و اختصار می‌آوریم.

«مذهب مانویان که پیروان مانی حکیم‌اند: وی در زمان شاپور بن اردشیر بابکان پس از عیسی(ع) بود که دینی بین مجوسی‌گری و نصرانی‌گری بیاورد. مانی نبوت مسیح(ع) را قبول داشت، ولی نبوت موسی(ع) را نمی‌پذیرفت. ابوعلی محمد بن هارون وزراق (زندیق) از مانی حکیم بازگفته است که می‌پنداشت: عالم ترکیبی مصنوع از دو بُن دیرینه است که یکی «نور» و دیگری «ظلمت» باشد،<sup>۱</sup> و این دو ازلی‌اند که همیشه بوده و باشند، و او وجود چیزی را که از بُن دیرینه نباشد انکار می‌کرد، و می‌پنداشت که آن دو بُن همچنان دو نیروی حاسه سمیع و بصیرند، و با این حال در نفس و صورت و فعل و تدبیر همستار (متضاد) یکدیگرند، خیر و شر با هم برابرند.»

«اما گوهر نور نیکو و بهین و کرامند و پاک و خوشبوی و نیکروی است، که نفس (ذات) او نیز نیک و والا و سودمند و دانا و نیکوکردار و شاینده و شادان و با ترتیب و نظام و سازواری در سوی فراز باشد؛ و همگنهای آن پنج‌تاست که چهارتای آن بدن‌ها و پنجمی روح آنها باشد، چه بدن‌ها آتش و باد و نور و آب‌اند و روح آنها نسیم است که در آن بدن‌ها می‌جنبند و صفات آن نیک و بهین و پاک و پاکیزه است. برخی گویند که وجود نور همواره بر مانند این جهان است که آن را زمین و هوایی باشد، سرزمین نور پیوسته لطیف به جز صورت این زمین ماست، بلکه به صورت جرف‌تاب ورتو آه‌مچون برتو شورشید ووی آن‌خوش‌رنگ‌های آه‌مچون رنگین‌کمان دلپذیر است. سرزمین نور خود پنج‌گونه باشد که جسم لطیف‌تر دیگری - یعنی - هوا، که همانا روح باشد (اثیر) و فرشتگان و ایزدان پیوسته در آنجا باشند.»

«اما ظلمت که گوهر آن زشت و ناجور و پست و تیره و پلید و بدبوی و زشتروی است، نفس (ذات) آن هم بدکار و پست و نادان و زیانبار و کردارش بدی و تباهی و زیان و اندوه و

۱. اساس حکمت اشراق که شیخ شهاب‌الدین سهروردی آن را پی‌نهاده نیز بر همین دو اصل، یعنی «نور و ظلمت» و به اعتباری (وجود و عدم) استوار است. (میثاق)

پریشانی و نابسامانی؛ و گونه‌های آن نیز پنج‌تاست: چهارتا بدنها و پنجمی روح آنها. پس بدنها آتش و تاریکی و زهر و گزندها، و روح ظلمت دود است که در آن بدنها جنباست؛ و اما صفات آن همانند پلیدی و پستی، که برخی گویند وجود ظلمت پیوسته بر مانند این جهان است که آن را زمین و هوایی باشد؛ و سرزمین ظلمت همچنان کثیف، به جز صورت این زمین ماست...؛ و هم اینکه ظلمت یکسره اهریمنان و پتیارگان می‌زاید، همچنان که حشرات از عفونات پلید زاده می‌شود؛ ملک این جهان همانا روح اوست، که عالم شر و ظلمت بر آن گرد می‌آید.»

«سپس مانویان در آمیزش آن دو بُن نور و ظلمت که در کنار یکدیگرند اختلاف کردند. بعضی گویند که نور و ظلمت به خبط و اتفاق نه به قصد و اختیار با هم بیامیختند؛ و بیشترشان گویند که سبب آمیزش همانا بدنهای ظلمت است که از روح خود بپرداخته‌اند...؛ اما پنجگانه‌های نوری و ظلمانی در هر یک از اجزای عالم دخیل‌اند. خلاص نورها از اجزای ظلمت تحت شرایطی مورد بحث شده است. بر روی هم خرافات در مذهب ایشان بسیار باشد. محققان گفته‌اند مانویان نور را از جهت بالا بی‌کران دانند، که از جهت پایین کرانمند است؛ و اما ظلمت هم بی‌کران است در جهت پایین، و از جهت بالا کرانمند باشد. نور و ظلمت، بدین سان، پیش از آفرینش جهان وجود داشته، میان آن دو گشادگی باشد که پاره‌ای از آن دو در آن با هم بیامیزند، آوردگاهشان هم آن گشادگی بوده باشد؛ و همین مقتضای حکمت «نور الانوار» است،<sup>۱</sup> که همان باری - سبحانه تعالی - در نزد ایشان است...»

«من (مجلسی) گویم اینک که این مذاهب سخیف خرافی - که بی‌نیاز از گزارش بیشتر دربارهٔ آنها هستیم - شناخته آمد، به گفتار دربارهٔ دیصانیه برمی‌گردیم، که آنان هم قائل به قَدَم ماده (طینت) یا ظلمت هستند، و حدوث را در امتزاج دانند؛ و اما مانویان که سخنان امام (ع) در گزارش آیین ایشان روشن است، چنان که پیش‌تر هم گذشت، بسیاری از این چیزها را نیز به جماعت شیعه و جز ایشان منسوب می‌دارند، که البته ما خلاف اینها را می‌دانیم. با این حال، احتمال می‌رود که سخنان ایشان رمزآمیز باشد، چه دانسته است که مرادشان از نور «روح» و از ظلمت «جسد» باشد، و نور همان پروردگار تعالی است؛ ولی آن شخص ملعون مذهب نصارا

۱. بنا به تصریح شیخ اشراق در حکمة الاشراق، نور الانوار، همان واجب الوجود و حضرت باری تعالی است. (میثاق)

را در مورد مسیح تأیید نموده<sup>۱</sup>، احتمال هم دارد که آنچه امام(ع) از مذهب این جماعت بیان فرموده، از پیشینیان ایشان بوده باشد که قائل اند همانا «نور» اسیر ظلمت است، و همین در تقابل با آن (خدای تعالی) اهریمن باشد که با هم ستیزش دارند. آنان نیکیها را به نور، و بدیها را به ظلمت نسبت دهند؛ آفرینش جانوران درنده و آزارنده، کژدمها و مارها را به ظلمت نسبت نمایند؛ امام(ع) به فساد پندارشان در این خصوص اشاره فرمود. این تصورات درباره شرور سزاوار به خدای حکیم که آنها را آفریده نباشد.»

«آن گاه طی پنج فقره در رد آرای آنها و از جمله گوید: اینکه می‌گویند نور در حبس ظلمت است، این با قول به ربوبیت او منافات دارد؛ زیرا مجبوس بودن مستلزم عجز و نقص اوست، که همین خود منافی با ربوبیت باشد. باری، بدان که در خبر ابطال مذاهب سه‌گانه از فرقه‌های ثنویه، امام(ع) ضمن تحقیق اصل مذاهبهای ایشان (دیسانیه، مانویه، مجوسیه) آنها را رد کرده، چنان که از جمله در «توحید مفضل» فرموده است:

ای مفضل، من دلایل بر آفرینش و شواهد بر درستی تدبیر، و قصد در خلق انسان و حیوان و نبات و گیاه و جز اینها را برای تو شرح دادم، که چه عبرتی است از برای عبرت‌گیران در آفرینش؛ و من اکنون آفتهای رخ نموده در بعضی اوقات را برای تو شرح می‌دهم، که چگونه جماعتی از جاهلان آنها را همچون وسیلتی از برای انکار خالق و خلق و تدبیر برگرفته‌اند؛ و از جمله اینکه اهل تعطیل و مانویان مکروهات و مسائب را انکار کنند، نیز موت و فنا را حسب قول اصحاب طبایع انکار کنند و پندارند که وجود اشیا به عرض است.

□

علامه مجلسی در تذکرة الأئمة (ص ۴۷) درباره زنادقه گوید: «مشهور آن است که این طایفه مستمسک به شریعتی نشده‌اند و به قدّم (= دیرینگی) عالم قائل‌اند؛ نیز گفته‌اند که قومی از مجوس‌اند و ذو‌الهبین (= دو خدایی / دوگانه‌گرا) و بعضی گفته‌اند «زندیق» مأخوذ از

۱. چنین فهمیده می‌شود که دلخوری علمای شیعه از مانویه، بیشتر همین فقره تأیید مسیح بوده باشد، ولی مانی چهارصد سال پیش از ظهور اسلام آمده و از این «فقره» بی‌خبر بوده است.

زند است که کتاب پهلوی از زردشت است؛ و بعضی گفته‌اند که زنادقه قومی‌اند که در اسلام به هم رسیده‌اند، و از اصحاب عبدالله سبا باشند که جهال ایشان - یعنی - شیعیان را گمراه کرد و به خدایی علی (ع) قائل شدند، و خوارزمی در مفتاح العلوم گوید «زنادقه» طایفه‌ای از مانویه مجوس‌اند.»

همچنین در مرآة العقول (شرح اصول کافی) گوید که «زندیق» از جمله ثنویان، قائل به نور و ظلمت است؛ و یا کسی را گویند که به آخرت و به ربوبیت ایمان ندارد، و این کلمه معرب «زن دین» یعنی دین زنها باشد؛ نیز گویند معرب «زنده» باشد، از آن رو که قائل به دوام دهر هستند؛ همچنین منسوب به «زند» کتاب زردشت باشد، که ظاهراً مراد از آن در اینجا کسی است که صانع را معترف نیست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

